

## حرفی کوتاه

گزارش کوتاهی در اختیار شماست. هدف از این نوع گزارشات کارگری آشنا کردن بیشتر کارگران مبارز و فعالان جنبش کارگری در ایران با عکس‌العمل‌هایی است که در میان جنبش کارگری و همین‌طور از سایر جنبش‌های اجتماعی بروز داده می‌شود. ما عمیقاً اعتقاد داریم که این گزارشات صرفاً کوششی است برای به میان کشیدن سایه روشن‌های کوشندگان جنبش کارگری و به هم در آمیختن این پراتیک با تئوری انقلابی طبقه کارگر.

## ما چه سهمی می‌توانیم از تاریخ نوع بشر داشته باشیم!

### برده‌های خیابانی بدون تشکل و آگاهی



زنانی را دیدم، نگاهشان ساده و تنها  
صدایشان خسته و رنجور، خو کرده با زنجیر سنت  
در گوشه‌ی خیابان، از خود چنین می‌پرسند؟  
تمام سهم ما این است؟

...

در یکی از روزهای پانیزی که همه روزه زنان کارگر این دیار در گیر ستم و استثمارند، به یکی از بنادر جنوبی یعنی "بندر عباس" می‌رویم، بندری که در دهانه تنگه هرمز قرار دارد و از هر دو دریای آزاد جنوب ایران استفاده می‌برد، آنجا که رنج طولانی گرما و شرجی، بیکاری، فقر، اعتیاد و... احساس می‌شود.

زندگی خیلی از زحمتکش‌های جنوب به دریا وابسته است، زیرا گذران زندگی ساکنان این بندر با دریا گره خورده است. و به تبع آن، محصولات دریایی خوراک اصلی مردم را تشکیل می‌دهد. زنجیره‌ای طولانی از شغل‌های وابسته به دریا، ساخت لنج، کار کردن روی لنج، تعمیر لنج، صیادی و خرید و فروش آبزیها، و البته پاک کردن میگو!

با ورود به بازار مرکزی (معروف به بازار ماهی فروشان، یا همان بازارهای سنتی فروش آبزیها)، به دلیل کوچک بودن فضای کنار خیابان، احساس ناخوشایندی به انسان دست می‌دهد. با جمع شدن همیشگی ضایعات ماهی بوی زنده‌ای از آن به مشام می‌رسد. دور تا دور این بازار (که ترکیبی از صیادان، کاسبکاران خردی که گرداگرد اینان حلقه زده، و دستفروش‌های دیگر است) زنان کارگر (در گروه‌های دو سه نفره) را می‌بینیم که در حال پاک کردن میگو هستند. با دیدن این زنان کارگر، اما طولی نخواهد کشید که آهسته آهسته انتشار بوی نامطبوع ضایعات آبزیها جای خود را به بوی کثیف سرمایه می‌دهد. بونی که تنها با رایحه خوش رزم و آگاهی از بین خواهد رفت.

...

### برده اول

فصل پائیز بندر عباس (بهار صیادان میگو، فروشندگان میگو، خریداران میگو و زنان پاک کننده میگو!)

نامش شاه میگوست!

سالی یکبار در فصل پائیز برای تمام فصول

قیمت خام دسته اول در بازار ماهی فروشان بندر عباس 7500 تومان

یک سنگ = 16 کیلو/ 115000 هزارتومان - یک کیلو پاک کرده 14 هزار تومان

صادرات: برای خوش پوشان، خوش پولان و....

نوع = ریز و درشت

### برده دوم

گروه های چند نفری زنان کارگر (بدون تشکل و آگاهی)، در سنین مختلف از 15 ساله گرفته تا 50 ساله

### ابزار کار

- یک برگ روزنامه و یک چاقو
- یک جفت دستکش ظرفشویی
- یک کیسه نایلون

هدف: شکار نان شبانه، به دنبال انسان های خوشبخت!

محل کار: آسفالت خیابان - زمین خاکی

ساعات کار 6 تا زمانی که مشتری باشد معمولا 11 تا 12 شب (صید میگو در شب انجام می شود)

دستمزد بین 7 تا 8 هزار تومان

زندگی: نامفهوم

### برده سوم

آقا میگو کیلویی چنده؟ 7500

سنگی چنده 115000 هزار تومان

3 تا سنگ بده!

- چه خبره میخواهی چیکار کنی؟
- پاک می کنم فریز میکنم برای یکسال

پاک کننده میگو:

- آقا میخوای ما برات میگو پاک کنیم؟
- خواهش میکنیم! خوب پاک میکنیم!

- چند میگیرید؟
- سنگی 7000 هزار تومان!
- چه خبره چرا اینقدر گرون!!!

چندین گروه در مکانی در حال پاک کردن میگو!!



بالای سر هر گروه از بردگان، برده دارانی که خود برده اند! در انتظار محموله ای که بعد از صید در آغوش گرفته و خوشحال از اینکه میگوی تازه و ارزان بدست آمده و غافل از رنج دوران.

در آن سو نزاع بردگانی که در خانه، پرولتر مرد و در اینجا برده خیابانی اند. نزاعی برای به دست آوردن لقمه نانی. برای بچه و ارباب

- چند تا سنگ پاک کردید توی این چند ساعت؟ 2 تا
- چند گرفتید؟
- 15000 هزار تومان
- یعنی نفری 7500 تومان

: فکر میکنید چند تا دیگه میتونید سنگ بگیری پاک کنید؟

- معلوم نیست

: شما بخرید تا ما پاک کنیم!

- نه من با دوستانم اومدم. اونا وضعشون خوبه خریدند و شما پاک کردید.

- آقا شما هم بخرید میگو های خوبی داره اینجا
- خانم شما نمی خواهید من میگو هاتون پاک کنم؟
- نه، خودم مگه دست ندارم میبرم خونه پاک میکنم
- آقا شما بدید ما پاک کنیم
- نه برو
- ترا به خدا!!
- د برو دیگه چقدر پيله ای
- خب مثل آدم بگو نمی خوام!



چند سال پیش وقتی در بازار بندرعباس قدم می‌زدید، شاید زنان انگشت‌شماری را می‌دیدید که به پاک کردن میگو مشغول باشند، اما امروز بسیاری از کوچه‌های بازار مملو از زنان کارگری است که به مشاغلی این چنین عذاب آور روی آورده‌اند و مجبورند به این صورت هزینه‌های سنگین زندگی را تامین کنند؛ زنانی که سرپرست خانوارند یا کمک خرج خانه.



در گوشه‌ای از بازار نشسته با دستهای زمخت و باد کرده که تمام سرمایه زندگی و وسیله امرار معاشش است، با نگاهی نگران به آینده نامعلوم خود و فرزندانش، به دوربین ما خیره می‌شود. چشمانش حاکی از رنجی است که سال‌هاست بر دوش می‌کشد؛ چشمانی که هنوز به نبود مردی که رهایش کرده و رفته عادت نکرده است... مانند او در جای‌جای این شهر بسیاری.

اینها تنها گوشه های کوچکی از شدت ستم و استثمار بر نوده ای است که به راستی در اعماق زندگی می کنند.

سرنوشت اینان را چه سیستمی رقم می زند؛ سیستم جهل و سرمایه که خود مجری برنامه ریزی سرمایه جهانی برای به سلطه درآوردن این مردمان است. زخم ناشی از شدت ستم و استثمار بر پیکر جامعه ما عمیق است و تنها راه حل آن انجام یک دگرگونی اساسی از طریق انقلابی قهر آمیز، و به وجود آوردن دولتی نوین که در عمل پایگاه و پرچمدار دنیای آینده کمونیستی باشد (دنیایی که در آن رهائی بشریت به ثبت رسیده است).

**ما کارگران اما هرگز از خود پرسیده ایم که چه چیزی به فرزندانمان خواهیم سپرد؟**

**آیا شباهتی با آنچه از گذشته مان به ارث بردیم، خواهد داشت؟**

**و چند سوال دیگر: آیا می دانید بیش از ۲۳ میلیون دلار آبی طی سال گذشته صادر شد!**

**آیا می دانید حجم وزنی این آبیان بیش از ۹ هزار و ۶۶۰ تن بود؟**

**آیا میدانید ۹۲۰ فروند لنج صیادی و ۳ هزار و ۳۰۰ قایق صیادی در استان به صید و صیادی مشغولند؟**

**و آیا میدانید ۲۷ هزار نفر صیاد بر روی این تعداد شناور کار می کنند!**

- آمار استفاده شده از خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)

جمعی از فعالین کارگری (جافک)

[kargaranfa@gmail.com](mailto:kargaranfa@gmail.com)

[jafk1384.blogspot.com](http://jafk1384.blogspot.com)